

اولوب مصرفا هر دو بار و قوه رشخ ابراهیم کلشنگ در شمع و خشن اولوب
 عارف زبور اول سلاله دن قلمور از یوب اول اصولک فرود خدن ذاول
 عضولک فرود خدن صدو انیشدن مزوم صاحب اولان سلطان سلیمان
 خانه شهنشده اولوب اول بهانه اول لطف افزونه مظهر اول شیدی طایفه
 اروام علی لطف صی سلطانین حکام اشعار لسان فارسیده ماهر اولوب
 عینی سیندن و سیدوری لعل رنگین دن تمیزه قار اولوب فکر اولدن مستوری
 عارف و نکتہ دان و نظم فارسیده مقبول و هنر و لادن صنوب مزبورک
 مکتوبات خا طریقی حلالی صور لطف و افزایدوب حالی معنوی مستوی ماضی و
 غایب اول شیدی بنیہ بوجله بلایه شیدی که اولان شهنشده چیه بیست و هوشی
 سحر سحر و مانند و سوز افزیدن هر دو جمله متناذر اکار و احسان زمانه
 مالمزنده متاع معارف بویله کاسه و بویله راز و ریح و شلالی مالمزنده
 اینک نیمه بو مقبوله سودا به دشمنک غریب و افعالیست عیالیه بیست
 اول سلطان ستوده صفایک وصف معازنی و حجاب مانده خجرات اولوب
 بخت و خجرات و عشق و خدمت و الی و حسن مکان بولونه کوهراشتان
 اولوب اولیدیکه اول خجراتان بر مقدار ابراهیمی انجاس اولیسه حاجی الی المقوال
 بر کتاب اولوردی مزبورک مشغول عینی چون شهنشده ایدری و غایب انشایی
 وار و جلدون بری بر محبوب بی لطف شگلی نقش و تصویر ایدوب بر عضو
 کند و یک و غیر نیک بیایات و کید بر نی خیر انشده و اولد و ذوق حس کمالک
 مجلس فضل عرفاننده عرض شماع اولده کوه کرمک واقع اولدی فی الواقع
 اعجابی و غیر خجراتاندر نوایات مزبورک کلاما شهنشده که بو جمله بر اولوندی

بیشک شمشک لکوشن لعل سحر را چه اهد که کور اولوب تو جلال کام بکن چو سایه در قدام آن سوزی عارف که گفت بجز آنزه در من ترا و اطهار خمرده بو قطعه الکر در	بنود لجا هستی سخنان تنبهنه را دیکه میا بر شلب خوان گرفت را در بر بر با مسای دم بار خفته را لطفی دیکه بود سخن تازه گفت را محیط جلالی شهاب نجوم جلیل العطا یا کیم
---	---

همه صبح حاجی عز و عسلا همه چشم علی و نزل همه دو غزل ترکی و خجرات غزل
 بر معیار در ایللی قاشنگ
 اشتری صر قدل شرح بیداره
 آبی افندم بسال کم در کم
 سستی جوق باشدا کلک سیرامی کوز
 طعن ایدوب لکه اغریکده می
 نوزر جو رشیده پنج ایزدی زوال
 کونور لکن طب منی جخون

کله چنگلکدن اسمی ایشنگ
 کله کرائی زلف ایلکی قاشنگ
 کوزک او شنده وار به چنگ
 مردم انجسته حصه با شنگ
 که دکلی زلف اسکا شنگ
 دیده سسی کورنه لبه شنگ
 عارف کلمدی ایشنگ

عارفی نامی حسین در روی دلجوی جهان زبیب من حال بر رب ربی اولوب
 اصحاب جانانه بصلوصول سبیل مایول اولان شهر استبولن بنده از ادکا
 در کاه معالی شهنشده ندر مختاری انام اندک نصیحه خط و املا به کوشش
 و شوق و اشتیاق تمام و ورزش ایدوب خطه قلم مثالش را لیه انسان
 و شغره مدوح و مقبول مثال و اقران بر در اشکلی قلام طبلدن لاسخ و لغو
 خورشید معارف طایف دل و برواق خاطر بنیه طالع اولوب با سبک کار چای
 ناله و تارقی و میدان شعرا و اشتیک مرد عارفی اول شیدی قابیله اولدن
 اینک مرحوم بر ایدوب با شیه مصدق کله کله لامیر بقصیده و بر و کده اناطولده
 احکام تذکره چنگلک و بر شیدی بعده و قور از نزع و جدال و زره اولوب کل
 اولند قده جمله استیا و املا کن صنوب صواب اول زمانه مصدق شیخ
 ابراهیمک جلیلی شهنشده و شکرده انش و جید سوز نیک اطراف و اکنته
 شکر انشاری و ارایدی و اروب خانقا سنده توبیه و آیات و اول طریقه
 سلوک و عرفت ایلدیرک عرفی اصناف شهنشده اول زمانه تصوفات اشعار
 اولوب بر بر جمعی وار در که شیدی بود **میت** عین عارفده و در اشیا کوه سوز
 جمله کشف فی الما و بر بر جنتک خدی شیدی بود **میت** که در کج عالم لری سبک
 مظهر شرف اسماء سبک بعده سینه استبول کلوب سینه او تازه و لی از اول
 کوشش و فرخ و انزوا ده اگر با عیان زمانک چشم جهان بینی اولان بینی زاده ایل

عارفی

18